

استعانت از خداوند در گشایش سختی‌ها با محوریت دعای هفتم صحیفه

سجادیه

حمیده صمصامیان^۱

چکیده

از ویژگی‌های عالم ماده وجود سختی‌ها و ناملایمات است، اما آنچه مهم است، توجه به نقش قدرت و اراده خداوند و نوع برخورد انسان با این مشکلات است که این امر ارتباط مستقیم با جایگاه معرفتی انسان دارد. از جمله اموری که می‌تواند انسان را در این مسیر یاری نماید توجه به ادعیه، زیارات و توسل به اهل بیت است و از جمله آنها دعای هفتم صحیفه سجادیه است. امام سجاد ضمن توجه دادن به مسئله بلا به جایگاه قدرت و اراده خداوند نیز اشاره می‌کند. بر این اساس آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است تبیین رابطه قدرت و اراده الهی و ابتلائات با توجه به دعای شریف است که اطلاعات آن به صورت کتابخانه‌ای جمع آوری شده است و روش پردازش آن توصیفی تحلیلی است. در این مقاله قصد شده است که ابتدا مفهوم استعانت بیان شود سپس فلسفه وجود بلا یا ذکر شود و در ادامه به فرازهایی از دعای هفتم صحیفه پرداخته شود.

کلید واژگان: استعانت، بلا، دعا، قدرت

مقدمه

دنیا مانند جاده‌ای می‌ماند که ترکیبی از فرازها و نشیب‌هاست، یکی از مسائل مهم هم در زندگی دنیوی وجود بلا و مصیبت است و سوالی که در این زمینه پیش می‌آید این است که علل وجود بلا یا در زندگی چیست؟ مصیبت برای تمامی انسان‌ها هست یا برای قشر خاصی؟ راه حل این مشکلات چیست؟ و ... هدف از این مقاله پاسخ به این سوالات و سوالات مشابه آن

۱- طلبه سطح ۲، حوزه علمیه الزهرا(س)، شهرستان کازرون، samsamii۱۳۱۲@gmail.com

است. در این زمینه مقاله‌هایی نوشته شده است از جمله مقاله گشایش در رحمت به هنگام گرفتاری از علی جواهردهی، مقاله وظایف ما در برابر سختی‌ها از علی پوریا، بررسی رابطه صبر و آزمایش الهی در زندگی آدمی از ابوذر غلامی و ... اما مقاله‌ای که تمام ابعاد این موضوع را در برداشته باشد نوشته نشده است ضرورت این مقاله این است که برخی افراد بلا را صرفاً مصیبتی از طرف خدا می‌دانند و به محض دیدن بلا افسرده می‌شوند، جزع و فزع می‌کنند و ... در حالی که انسان در مشکلات باید صبر پیشه کند و از بزرگان همچون ائمه و پیامبران استعانت بجوید.

الف – مفهوم شناسی

۱-الف) مفهوم استعانت

واژه استعانت مصدر باب استفعال از ریشه (ع. و. ن) در لغت به معنای کمک و پشتیبانی خواستن است.^۱ حقیقت استعانت کمک خواستن شخص از خدا برای دریافت قدرت و توان بر انجام دادن کار یا برای سهولت انجام دادن آن است، به گونه‌ای که از هموعان خود کمکی ساخته نیست.^۲

کارها در مقایسه با یکدیگر برخی مهم و برخی غیر مهم به نظر می‌آیند و استعانت همه امور مهم و غیر مهم را در بر می‌گیرد.^۳

استعانت راستین در صورتی تحقق می‌یابد که شخص در هر رخدادی متوجه خدا باشد و فقط از او استعانت بجوید و به استعانت زبانی بسنده نکند.^۴ چنانکه یکی از اسماء الهی "مستعان"^۵ و به معنای کسی است که از او می‌توان کمک گرفت.

ب) توحید در استعانت

«استعانت» مصدر باب استفعال و به معنای مددجویی و درخواست کمک است. توحید در استعانت یعنی انسان در امور خود تنها از خداوند یکتا مدد جوید و تنها دست استمداد به سوی

۱- راغب اصفهانی، مفردات، ص ۳۴۵

۲- ابن عاشور، التحرير والتنوير، ج ۱، ص ۱۸۴

۳- طباطبائی، المیزان، ج ۱، ص ۱۵۲

۴- جوادی آملی، تسنیم، ج ۱، ص ۴۴۶-۴۴۷

۵- طباطبائی، المیزان، ج ۸، ص ۳۵۸

او بگشاید و از او یاری بخواهد.^۱ در اهمیت توحید در استعانت همین بس که در قرآن کریم همدوش توحیدعبادی قرار گرفته است و مسلمانان موظفند در تمام نمازهای خود به آن تاکید کنند. «ایک نعبد و ایک نستعین»^۲ تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم.

حال این سوال مطرح می‌شود که مبنای نظری توحید در استعانت چیست؟ در پاسخ به این پرسش به نظر می‌رسد که شاخه‌های توحید نظری، به ویژه توحید افعالی مبنای معقولی برای توحید در استعانت به دست می‌دهد. انسانی که به توحید افعالی باور دارد و معتقد است در عالم هیچ فعل و انفعال و تاکید و تحول خارج از اراده و مشیت الهی انجام نمی‌پذیرد و هیچ موجودی غیر از خدا در افعال و آثار خود مستقل نیست به حکم فرد موظف است که تنها از او یاری جوید زیرا صاحب اختیار و مالک مطلق و حاکم منازع تمام هستی است و زمام تمام امور به دست اوست. بنابراین توحید در استعانت، نتیجه طبیعی اندیشه‌های توحیدی در باب فاعلیت و حضور خداوند در هستی است.^۳ اما نکته قابل توجه این است که اگر توحید در استعانت با استمداد مخلوقات الهی، در صورتی که با اعتقاد به عدم استقلال آنها همراه باشد منافاتی ندارد. ممکن است تصور شود که بر اساس توحید در استعانت هرگونه یاری خواستن از غیر خدا مطلقاً ممنوع و عملی شرک آلود است. اما این پندار اندیشه‌ای نادرست است زیرا اگر استمداد از غیر خدا با این اندیشه همراه باشد که آن موجود به صورت مستقل و بدون نیاز به اذن و یاری الهی می‌توان حاجت انسان را برطرف سازد، با توحید در استعانت ناسازگار خواهد بود. اما اگر انسان به برخی مخلوقات خداوند به این دید بنگرد که هر یک در حوزه خاصی با اذن الهی و بر اساس اراده و خواست خداوند می‌تواند به او یاری رساند و استعانت او با این عقیده همراه باشد قطعاً با توحید عملی سازگار است.

بنابراین اگر استمداد آدمی از موجودی غیر از خداوند در طول استمداد از خدا (نه در عرض آن و به صورت مستقل) باشد، هیچ گونه منافاتی با توحید در استعانت ندارد.

ج) فلسفه وجود بلایا

۱- سعیدی مهر، کلام اسلامی، ج ۱، ص ۱۴۰

۲- فاتحه: ۵

۳- سعیدی مهر، کلامی اسلامی، ج ۱ ص ۱۴۰

۱-ج) آزمایش و امتحان الهی

یکی از حکمت‌های رنج و گرفتاری این است که خداوند با سختی‌ها و بلاها بندگانش را آزمایش کند بنابراین خداوند می‌فرماید « وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ؛ و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی و کاهش در اموال و جانها و محصولات می‌آزماییم و مژده ده شکیبایان را^۱».

امتحان الهی که گاهی با گرفتاری و رنج نمود پیدا می‌کند، آثار متعددی می‌تواند داشته باشد آثاری مانند:

۱-ا) تکامل و شکوفایی استعدادها

مصیبت‌ها و رنج‌ها می‌تواند استعدادهای نهفته انسان را شکوفا سازد. امام علی (ع) می‌فرماید: « و فی تقلب الاحوال علم جواهر رجال؛ در دگرگونی احوال گوهر مردان معلوم می‌شود^۲».

شهید مطهری در کتاب عدل الهی می‌فرماید: «مصیبت‌ها و شدائد برای تکامل بشر ضرورت دارند و اگر محنت‌ها و رنج‌ها نباشد بشر تباه می‌گردد»^۳.

۲-۱-ج) اصلاح و تقویت ایمان

یکی دیگر از محاسن بلا اصلاح و تقویت ایمان هست چنان چه پیامبر اکرم از قول خداوند می‌فرماید: «وَإِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ يُرِيدُ الْبَابَ مِنَ الْعِبَادَةِ فَأَكْفُهُ عَنْهُ لَيْثًا يَدْخُلُهُ عُجْبٌ فَيُفْسِدُهُ وَإِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ لَمْ يَصْلُحْ إِيْمَانُهُ إِلَّا بِالْفَقْرِ وَلَوْ أَغْنَيْتُهُ لَأَفْسَدَهُ ذَلِكَ وَإِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ لَا يَصْلُحُ إِيْمَانُهُ إِلَّا بِالْغِنَى وَلَوْ أَفْقَرْتُهُ لَأَفْسَدَهُ ذَلِكَ وَإِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ لَا يَصْلُحُ إِيْمَانُهُ إِلَّا بِالسُّقْمِ وَلَوْ صَحَّحْتُ جِسْمَهُ لَأَفْسَدَهُ ذَلِكَ وَإِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ لَا يَصْلُحُ إِيْمَانُهُ إِلَّا بِالصَّحَّةِ وَلَوْ أَسْقَمْتُهُ لَأَفْسَدَهُ ذَلِكَ إِنِّي أُدَبِّرُ عِبَادِي بِعِلْمِي بِقُلُوبِهِمْ فَإِنِّي عَلِيمٌ خَبِيرٌ»

۱- سوره بقره: ۱۵۵

۲- کلینی، اصول کافی، ج ۸، ص ۲۳

۳- مطهری، عدل الهی، ص ۱۷۸-۱۷۹

در بین بندگان مومنم، کسی هست که به جز فقر و تهی دستی چیزی ایمانش را اصلاح نمی‌کند. چنانچه ثروتمندش نمایم، همین ثروت باعث فساد و تباهی ایمانش می‌شود و در بین بندگان مومنم کسی هست که جز با ثروت، ایمانش اصلاح نمی‌شود و اگر تهی دستش نمایم باعث فساد و تباهی ایمانش می‌شود در بین بندگان مومنم کسی هست که جز با سلامتی و صحت ایمانش اصلاح نمی‌شود چنانچه مریضش کنم همین مریضی ایمانش را تباه می‌کند من به واسطه علمی که درون قلوب بندگانم دارم امور آنها را تدبیر می‌کنم به درستی که من دانا و آگاهم^۱.

قرآن کریم با اشاره به همه مطلب می‌فرماید: « وَ عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ عَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ » چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آنکه خیر شما در آن است؛ و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شر شما در آن است. و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید^۲.

ج-۳-۱- ترفیع درجه

گاهی نیز خداوند متعال برای اینکه درجه کسی را بالا ببرد او را مبتلا می‌سازد.

امام جعفر صادق در کلام گوهر بارشان می‌فرماید: ان العبد لیکون له عندالله الدرجه لا یبلغها بعمله , فیتلیه الله فی جسده اویصاب بماله او یصاب فی ولده , فان هو صبر بلغه الله اياه؛ برای بنده‌ای در نزد خدا درجه و رتبه‌ای باشد که از طریق عملش به آن درجه نمی‌رسد، پس خداوند او را به بلا و مصیبتی در بدن و یا مال و مصیبت فرزند مبتلا می‌سازد تا اگر صبر و تحمل نماید خداوند او را به آن درجه برساند^۳.

راز ابتلای انبیا و اولیای الهی نیز همین است. بلاها برای آنان که از مقام عصمت برخوردارند، پاک کننده نیست، ترفیع دهنده است. بر همین اساس در روایتی حضرت علی(ع) می‌فرماید: إِنَّ

۱- مجلسی، بحار الانوار لدر الاخبار الاثمه الاطهار، ج ۵، ص ۲۸۴

۲- بقره: ۲۱۶

۳- مجلسی، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الاثمه، ج ۶۸، ص ۹۴

خود را از برکات و فیوضات محروم می نمایند در توضیح فراز بالا لازم است به مختصری از فیوضاتی که از واجبات و مستحبات نصیب انسان می گردد اشاره می شود. امام صادق (ع) می فرماید: صَلَاةٌ فَرِيضَةٌ خَيْرٌ مِنْ عِشْرِينَ حَجَّةً وَ حَجَّةٌ خَيْرٌ مِنْ بَيْتٍ مَمْلُوءٍ ذَهَبًا يُتَصَدَّقُ مِنْهُ حَتَّى يَفْتَنَى؛ یک نماز واجب بهتر از بیست حج است و یک حج بهتر از خانه ای است که از طلا پر باشد و همه آن را در راه خدا صدقه دهد^۱ و همچنین رسول خدا می فرماید: مَنْ كَانَ الْقُرْآنُ حَدِيثَهُ وَالْمَسْجِدُ بَيْتَهُ، بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ؛ هر کس قرآن سخنش و مسجد خانه اش باشد خداوند در بهشت خانه برای او بنا می کند^۲.

درخواست گشایش درهای فرج از پروردگار

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَافْتَحْ لِي يَا رَبِّ بَابَ الْفَرَجِ بِطَوْلِكَ، وَ اكْسِرْ عَنِّي سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ، وَ اَنْلِنِي حُسْنَ النَّظَرِ فِيمَا شَكَوْتُ، وَ اَذِقْنِي حَلَاوَةَ الصُّنْعِ فِيمَا سَأَلْتُ، وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَ فَرَجًا هَنِيئًا، وَ اجْعَلْ لِي مِنْ عِنْدِكَ مَخْرَجًا وَحَيًّا؛ پس بر محمد و آلش درود فرست ای پروردگارم و به فضل و احسانت در گشایش و فرج را روی من بشکن و مرا در موردی که از آن شکایت دارم به تامل و تدبیر نیک برسان و در آنچه از تو درخواست می کنم شیرینی اجابت را بچشان و از جانب خودت رحمت و گشایشی گوارا به من ببخش و برای من از نزد خود راه نجاتی سریع قرار ده^۳.

گشایش در کارها: پوینده راه حق و حقیقت باید پیوسته گشایش معنوی خود را از خداوند درخواست کند و در امور معنوی به کسانی که در اوج قله های کمال هستند، بنگرد تا به افزونی عمل خود ننزد اما در گشایش های مادی باید به فقیران و زیردستان نگاه کند تا خود را در حد کفایت ببیند و به حق خود قانع باشد.

گشایش در امور زندگی از سنت های الهی است که بر اساس رسم روزگار سختی و راحتی پی در پی هم می آیند و خوشی ها و ناراحتی ها نزدیک می شوند. پروردگار عالم، انسان را دو حالت گرفتاری و آسایش می آزماید تا او را کمال و شخصیت دهد چرا که انسان در مسیر رفاه و

۱- نیشابوری، روضه الواعظین، ۳۱۸/۲

۲- عاملی، وسایل الشیعه، ۱۹۸/۵، باب ۳

۳- فراز هشتم صحیفه

خوشی به جایی نمی‌رسد بلکه با غرور و لجاجت خود را نابود می‌کند ولی با وجود سختی‌ها و مشکلات که گاهی فشار زیادی به انسان می‌آورد او را می‌سازد و این حالت خوشی و سختی پیوسته ادامه دارد تا انسان به جایگاه اصل خود بازگردد و امام علی(ع) در بیان حکیمانه خویش می‌فرماید: عِنْدَ تَنَاهِي الشَّدَّةِ، تَكُونُ الْفَرْجَةُ؛ وَ عِنْدَ تَضَائِقِ حَلَقِ الْبَلَاءِ، يَكُونُ الرَّخَاءُ؛ زمان اوج سختی مرحله گشایش و هنگام تنگی حلقه‌های بلا نوبت آسایش است. پس در زندگی تحمل سختی‌ها کمال انسان‌ها هستند.^۱

خواسته‌های بندگان وسیله ارتباط درونی با خداوند است و حاجت بنده، راه محبت و پیوندخالق با مخلوق است. شیرینی دریافت پاسخ حق تعالی این است که یاد و پرسش او در قلب و ذهن پیوسته باشد. امام باقر(ع) می‌فرماید: إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ يُحِبُّ أَنْ يُسْأَلَ وَ يُطْلَبَ مَا عِنْدَهُ؛ همانا خداوند تعالی دوست دارد که از او درخواست شود و آنچه نزد اوست بخواهند.^۲

خواسته‌های بنده از حق سه گونه است: الف- زبانی مانند درخواست نیکی و خیر در دنیا و آخرت که امام جواد(ع) در این مورد می‌فرماید: نیازها با خواهش خواسته می‌شود و با قضای الهی نازل شود و عافیت بهترین عطایی است.^۳ در هر صورت باید از خداوند مهربان بخواهیم که به سبب غم و اندوه و بلاها از رعایت واجبات و اجرای سنت‌ها باز نمانیم و اتفاقات سبب نزدیکی ما به خداوند شود و همچنین انسان نباید خود را در حوادث و مکارم و غم و غصه حبس نماید، او باید در فضای الهی زندگی کند تا حوادث وی را از مسائل الهی به خصوص واجبات و سنت‌ها محروم نماید چرا که انسان در تمام سختی‌ها و مصائب تنها با یاری و یاد خداوند است که می‌تواند به آسانی و راحتی برسد و مسیر رشد و کمال را طی نماید.

فراز دهم: درماندگی بندگان

فَقَدْ ضِيقْتُ لِمَا نَزَلَ بِي يَا رَبِّ ذَرْعًا، وَ امْتَلَأْتُ بِحِمْلِ مَا حَدَّثَ عَلَيَّ هَمًّا، وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى كَشْفِ مَا مُنِيتُ بِهِ، وَ دَفْعِ مَا وَقَعْتُ فِيهِ، فَافْعَلْ بِي ذَلِكَ وَ إِنْ لَمْ أَسْتَوْجِبْهُ مِنْكَ، يَا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِيمِ؛ پروردگارا به سبب بلایی که بر من نازل شده درمانده شده‌ام و از تحمل آنچه بر من پیش آمده دلم از

۱- دشتی، نهج البلاغه، حکمت ۳۵۱

۲- کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۷۵، ح ۴ و عاملی، وسائل الشیعه، ۵۸/۷، باب ۲۰، ح ۸۷۱۵

۳- مجلسی، بحارالانوار، ۳۶۵/۷۵، باب ۲۷، یل حدیث ۵: اعلام الدین ۳۰۹

اندوه و غصه پر شده و تو برطرف کن آنچه که بر آن گرفتار شده‌ام و دور کن بلایی که در آن افتاده‌ام، توانایی بنابراین قدرت و توانایی‌ات را درباره من به کار گیر. اگرچه از جانب تو سزاوار آن نیستم ای دارای عرش بزرگ.

لطف خداوند درلطف خداوند در رفع گرفتاری بدون استحقاق عبد: حزن، حالتی از حالات روحی، روانی است که به طور طبیعی در شرایط ویژه‌ای برای انسان پیش می‌آید. البته با توجه به روحيات و مراتب وجودی انسان‌ها ظروف ویژه‌ای برای بروز و ظهور چنین حالاتی نسبت به افراد انسانی متفاوت است به گونه‌ای که می‌توان با توجه به این تفاوت‌ها به مرتبه وجودی افراد پی برد. اهل دنیا پیوسته در پی رسیدن به خوشی‌ها و لذت‌های ناپایدار نفسانی هستند و چون شالوده دنیا با اندوه و خواری پیچیده است پس آنان به سرعت ناامید می‌شوند همچنان که امام صادق(ع) می‌فرماید:

میل به دنیا موجب اندوه و ناراحتی می‌شود و پارسایی در دنیا سبب آسایش دل و بدن است ولی چنین ظرفی برای اهل آخرت، شوق رسیدن به نعمت‌ها و لذت‌های معنوی اهل بهشت و شدت حب و عشق به وصال حق می‌باشد.^۱ و امام علی (ع) می‌فرماید: هرگاه مسلمانان در تنگنا و سختی قرار گیرد نباید به حالت بی‌تابی از خدا شکایت کند بلکه تنها باید به سوی کسی که کلیددار امید و گشاینده کارهاست شکایت برد.^۲ پس نباید خداوند بزرگ را متهم ساخت و او را محکوم کرد که تو مرا آزار می‌دهی و از نعمت‌ها محروم می‌کنی بلکه باید بگوید به من لطف می‌کنی و مرا مستحق ثواب و پاداش آخرتی قرار می‌دهی حتی از گناهان من گذشت می‌کنی که من سزاوار عفو و بخشش بسیار تو نیستم خداوند سبحان چند شبانه روز حضرت یونس را زنده و سالم در شکم نهنگ نگه داشت و حضرت یونس می‌دانست که این حبس بلایی است که خداوند او را به خاطر ترک محل مأموریت بدان گرفتار نموده حتی اعتراف به ستمکاری خود نمود و خداوند منان به لطف خود دعای حضرت یونس را اجابت نمود و او را از عذاب و اندوه رها نمود پس ما انسان‌ها هم باید در مقابل سختی و بلایا به خداوند متعال روی آوریم تا مشکلات میسر شوند.

نتیجه گیری

۱- تحف العقول، ص ۳۵۸

۲- الخصال، ۶۲۴/۲، ح ۱۰

استعانت از خداوند در سختی‌ها به معنای طلب کمک خواستن از کسی برای رسیدن به مقصود است. استعانت گاهی از خداوند است و گاهی صرفاً از مخلوقات. استعانت از مخلوقات اگر در طول استعانت از خداوند باشد مطلوب است اما غیر از این شرک است و جایز نیست. موارد مطلوب استعانت از مخلوقات مثل توسل به انبیا و اولیا است با این اعتقاد که این‌ها واسطه فیض بین خدا مخلوقات هستند. حکمت بلاها متفاوت است از جمله شکوفایی استعدادها، کفاره گناهان، ترفیع درجه. اما باید توجه داشت بلاها دو دسته هستند: دسته‌ای که بر اثر کم کاری تنبلی انسان‌ها رخ می‌دهد که این بلای مطلوب نیست اما گاهی بلا از طرف خداوند است و به گفته امام سجاده (ع) این بلاها تحفه‌ای از خداوند بر بندگان خوب خداست. البته استعانت از خداوند هم باید همراه با صبر و شکیبایی باشد اگر انسان موقع بلا به خدا و اهل بیت توسل پیدا کرد ناله و شکوه نکرد و وظایف خود را به طور احسن انجام داد پیروز واقعی در دنیا و آخرت است اما اگر موقع سختی‌ها ناله و شکوه کرد و از غیر خدا کمک جست هم در دنیا بلا دیده و هم در آخرت خسران دیده است.

منابع و ماخذ

* قرآن کریم

* صحیفه سجادیه

۱. انصاریان، حسین، دیار عاشقان (ترجمه صحیفه سجادیه)، ترجمه محمد تقی جعفری، انتشار هیئت محبین الاثمه، ۱۳۷۲

۲. ابن عاشور، محمد طاهر، التحریر التنویر، تفسیر اهل سنت، انتشارات الدارالتونسیه للنشر، ۱۹۸۴ ه.ق

۳. تهیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلام، انتشارات موسسه فرهنگی، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۹۵

۴. جوادی آملی، محمد جواد، تسنیم، انتشارات اسراء، تهران، ج ۱، ۱۴۰۱

۵. حرافی، ابومحمد حسن، تحف العقول عن آل الرسول، تهران، ترجمه صادق حسن زاده، انتشارات آل علی، ۱۳۹۳

۶. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم، انتشارات موسسه تحقیقاتی امیر المومنین قم، ۱۳۹۱

۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی الفاظ القرآن، تهران، انتشارات مرتضوی،

۱۳۸۸

۸. سعیدی مهر، محمد، کلام اسلامی، قم، انتشارات طه، ۱۳۹۴

۹. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، خصال، ترجمه محمدباقر کهره ای، تهران، چاپ نهم،

انتشارات کتابچی، ۱۳۸۱

۱۰. صفایی بوشهری، غلامعلی، موعود اسلام، بی جا، ۱۳۸۳

۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، تهران،

انتشارات بنیاد علمی فکری علامه طباطبایی، چاپ پنجم، ۱۳۷۸

۱۲. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، مصباح المتهجد، بیروت، انتشارات موسسه فقه الشیعه،

۱۳۶۹

۱۳. عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، چاپ دهم، انتشارات کتابچی، ۱۳۸۶

۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، دارالکتب الاسلامی، تهران، ۱۳۶۲

۱۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، دارالکتب الاسلامی، تهران، ۱۳۶۳

۱۶. مطهری، مرتضی، عدل الهی، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۶

۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، انتشارات دارالکتب الاسلامی، تهران، ۱۳۷۴

۱۸. متقی هندی، علاءالدین کنز العمال، لبنان _ بیروت، انتشارات موسسه الرساله، ۱۴۰۹

۱۹. نیشابوری، حسن فتال، روضه الواعظین، تهران، انتشارات دلیل ها، ۱۳۸۱